دو متهم در دادگاه جنایت را به گردن یکدیگر می‌انداختند

توطئه پسر و عروس برای قتل پدر ۸۰ ساله

گروه حوادث-کامران علمدهی/ زوج جوانی که متهم هستند با همدستی کارگر کارواش سناریوی قتل پدر خانواده را اجرا کرده‌اند در دادگاه کیفری یک استان تهران هرکدام انگشت اتهام را به سمت دیگری نشانه گرفتند.

به گزارش «ایران»، اوایل سال ۱۴۰۱ زن میانسالی به نام پروین با مراجعه به پلیس آگاهی از گم شدن همسر ۸۰ ساله‌اش خبر داد و گفت: چند سال قبل با تیمور آشنا شدم. او زن و بچه داشت اما از همسرش جدا شد و با من ازدواج کرد. پسر شوهرم از این اتفاق راضی نبود با این حال زندگی خوبی داشتیم تا اینکه روز گذشته برای انجام کاری از خانه خارج شدم اما عصر وقتی به خانه برگشتم خبری از شوهرم نبود. موضوعی که خیلی عجیب بود اینکه بوی وایتکس زیادی در خانه پیچیده بود. از طرفی شوهرم معمولاً از خانه خارج نمی‌شد و اگر هم می‌خواست جایی برود حتماً به من اطلاع می‌داد. هرچه با تلفنش تماس گرفتم جواب نداد. شب هم برنگشت و خیلی نگرانش هستم. راستش را بخواهید من به پسر و عروسش مشکوکم آنها مدام با شوهرم درگیری و اختلاف داشتند.

پس از اظهارات این زن پلیس تحقیقاتش را آغاز کرد و بهروز ۴۰ ساله و فریبا ۳۶ ساله، ردیابی و بازداشت شدند.

مرد جوان در بازجویی‌های اولیه مدعی شد اطلاعی از سرنوشت پدرش ندارد. اما تناقض گویی‌های او و همسرش سبب شد تا آنها تحت بازجویی‌های فنی قرار گیرند و در نهایت عروس خانواده پرده از راز جنایت هولناکی برداشت و گفت: اختلاف شوهرم و پدرش از زمانی آغاز شد که پدرشوهرم دوباره ازدواج کرد. پس از آن بهروز از پدرش کینه به دل گرفت و با طرح نقشه مردی به نام اکبر را اجیر کرد تا پدرش را به قتل برساند و بعد هم با کمک همدیگر جسدش را در بیابان‌های اطراف تهران دفن کردیم.

با اظهارات این زن قاتل اجاره‌ای نیز ردیابی و بازداشت شد و به همدستی در جنایت اعتراف کرد.

با کشف بقایای جسد و بازسازی صحنه جرم برای بهروز و اکبر به اتهام مشارکت در قتل و برای فریبا به اتهام معاونت در جنایت کیفرخواست صادر و پرونده به شعبه ۵ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت

در ابتدای جلسه نماینده دادستان پس از قرائت کیفرخواست عنوان کرد: تنها ولی دم پرونده دختر مقتول است که خارج از کشور زندگی می‌کند و درخواستش دریافت دیه بوده است.

سپس بهروز به جایگاه رفت اما منکر دخالت در قتل پدرش شد و گفت: چند روز قبل از این حادثه من و همسرم و دوستم اکبر به شمال رفته بودیم و ویلایی اجاره کردیم. بعد از ۳ روز من و اکبر به تهران آمدیم تا از خانه‌ام مقداری مواد خوراکی برداریم و دوباره به شمال برگردیم.

همسرم هم در ویلا مانده بود. بعد از رسیدن به خانه چون کوچه ما باریک است از اکبر خواستم داخل خودرو بماند تا در صورت نیاز خودرو را جابه‌جا کند. من هم به واحد خودم که در طبقه بالای خانه پدرم است رفتم. در حال جمع کردن وسایل بودم که به یکباره صدای جر و بحث و درگیری شنیدم و بسرعت خودم را به طبقه پایین رساندم که دیدم پدرم روی زمین افتاده و جان باخته است و اکبر هم وحشت زده به او نگاه می‌کند. همان موقع یقه اکبر را گرفتم و گفتم که چه بلایی سر پدرم آوردی اما او گفت که می‌خواسته وارد خانه شود و به واحد من بیاید اما به اشتباه وارد خانه پدرم شده و او هم به تصور اینکه دزد آمده شروع به داد و فریاد کرده و درگیر شده‌اند. بعد هم اکبر پدرم را هل داده که سرش به دیوار خورده و جان باخته است.

اکبر هم مرا تهدید کرد اگر به پلیس خبر بدهم من و همسرم و حتی پدر و مادر همسرم را می‌کشد بعد هم از ترس و به ناچار پدرم را در بیابان‌های تهران دفن کردیم. باور کنید من نقشی در مرگ پدرم نداشتم و هرآنچه گفتم هم نقل قول اکبر بود.

قاضی پرسید: اگر این یک حادثه بود چرا به جای تماس با اورژانس و پلیس جسد پدرت را مخفیانه دفن کردی؟

متهم جواب داد: اکبر تهدیدم کرد که اگر پای پلیس را به ماجرا بازکنی به خودت و خانواده همسرت رحم نمی‌کنم. من به ناچار راضی شدم پدرم را دفن کنیم اما پیش از دفن برایش نماز میت خواندم. من خودم عزادار و قربانی‌ام نمی‌دانم چرا باید در زندان باشم.

بهروز در ادامه گفت: تمام این ماجرا هم زیر سر نامادری‌ام است. او برای اینکه ثروت پدرم را تصاحب کند مرا به پلیس معرفی کرد. این زن قبل از پدرم نیز چندین بار ازدواج کرده و از شوهرانش ارث خوبی به دست آورده است. حالا هم می‌خواهد با متهم کردن من به دارایی‌های پدرم برسد.

سپس عروس خانواده به جایگاه رفت و با رد اتهام معاونت در قتل گفت: در لحظه حادثه من در ویلای شمال بودم.

قاضی پرسید: اگر شما نقشی نداشتید چرا به پلیس اطلاع ندادید؟

فریبا جواب داد: از ترس تهدیدهای اکبر که گفته بود پدر و مادرم را می‌کشد سکوت کردم.

پس از آن اکبر به جایگاه رفت و گفت: این زوج دروغ می‌گویند آنها از من خواستند پیرمرد را بکشم. من پس از جدایی از همسرم برای کار از شهرستان به تهران آمدم و در یک کارواش مشغول کار شدم تا اینکه با بهروز و همسرش آشنا شدم. آنها نقشه قتل را کشیدند و با حرف‌هایشان فریبم دادند.

قاضی پرسید انگیزه شما از همکاری چه بود؟

متهم گفت: پسرم تومور مغزی دارد و مادرم هم برای عمل جراحی کمرش نیاز به پول دارد. آنها به من وعده دادند که اگر در قتل تیمور با آنها همکاری کنم هم هزینه‌های عمل جراحی پسر و مادرم را می‌دهند و هم ۸ میلیارد تومان از پول فروش خانه به من می‌رسد. حتی گفتند در شهرتان کارخانه‌ای راه می‌اندازیم و تو مدیر می‌شوی و وضع مالی ات خوب می‌شود.

وی در تشریح روز حادثه نیز گفت: بهروز مدتی قبل پلاک یک خودرو «ام وی‌ام» را که مدل خودرو خودش بود جعل و روی ماشین خودش نصب کرد. سپس من و فریبا و او از شمال به تهران آمدیم. من و فریبا پشت در ماندیم و او برای اینکه مطمئن شود پروین در خانه نیست وارد شد و بعد از دقایقی صدای درگیری او و پدرش آمد و بعد هم در خانه را باز کرد و رو به فریبا گفت نفسش را گرفتم تا دیگر کسی ناراحتت نکند. خیالت راحت شد! بعد هم از من خواست تا در حمل جسد به او کمک کنم. او و همسرش تلفن هایشان را خاموش کردند و لای پتو گذاشتند و از من خواستند تا با تلفنم به دنبال محل خلوتی بگردم. می‌خواستند من گرفتار شوم باور کنید من اصلاً پدر او را تا زمانی که مُرد ندیده بودم. من اتهام مشارکت در قتل را قبول ندارم.

در پایان جلسه قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

معمای اسیدپاشی زن سیاه پوش

گروه حوادث/ زن جوان وقتی در خانه را برای یک میهمان ناشناس باز کرد با پاشیده شدن اسید به صورتش روانه بیمارستان شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند روز قبل ساکنان یک ساختمان در تهران با شنیدن صدای فریادهای سوختم سوختم زن همسایه به مقابل خانه رفته و با زن جوان همسایه رو به رو شدند که صورتش با اسید سوخته بود.

با انتقال وی به بیمارستان و شروع درمان پس از بهبودی نسبی به پلیس گفت: داخل خانه بودم که زنگ به صدا درآمد از پشت آیفون زن جوانی را دیدم که به صورتش ماسک زده بود و مدعی شد که برایم نذری آورده است. من هم برای گرفتن نذری به مقابل در رفتم اما وقتی در را باز کردم زن ناشناس که سر تا پا لباس مشکی به تن داشت به محض دیدن من ظرفی را که حاوی اسید بود رویم پاشید و فرار کرد. من با کسی خصومت ندارم و نمی دانم چه کسی این اسیدپاشی را انجام داده است.

با اظهارات زن جوان، تحقیقات برای شناسایی عامل اسیدپاشی و انگیزه وی به دستور بازپرس جنایی ادامه دارد.

جوکر دزد از آب درآمد

گروه حوادث-مرضیه همایونی/ پسر جوانی که به عشق بازیگری راهی تهران شده بود به جای آموزش بازیگری شگردهای سرقت را یاد گرفت و با ماسک شخصیت فیلم مورد علاقه‌اش از مردم سرقت می‌کرد.

به گزارش «ایران»، چندی قبل زن میانسالی در تماس با پلیس از سرقت گوشی تلفن همراهش به دست دو نفر موتورسوار خبر داد و گفت: در حال صحبت با تلفنم بودم که ناگهان دو نفر با موتور به من نزدیک شدند و گوشی‌ام را قاپیده و فرار کردند. تنها چیزی که به خاطر دارم این است که هر دو نفرشان یک ماسک عجیب به چهره داشتند شبیه نقاب شخصیت فیلم جوکر.

در حالی که تحقیقات در این رابطه آغاز شده بود، مأموران با شکایت‌های مشابه مواجه شدند. تمامی شکایت‌ها حکایت از آن داشت که دو مرد موتورسوار با نقاب جوکر، گوشی رهگذران را سرقت می‌کنند. همچنان که ردیابی‌ها برای شناسایی سارقان ادامه داشت، زن میانسال بار دیگر با پلیس تماس گرفت و این بار سرنخ دستگیری متهمان را به پلیس داد. وی گفت: دیشب پسرم به یک میهمانی دعوت شده بود، وقتی برای صحبت با تلفن همراهش به اتاق خواب آن خانه رفته صحنه عجیبی توجهش را جلب کرده؛ روی دیوار دو نقاب جوکر بوده و روی میز هم تعداد زیادی گوشی تلفن همراه که از آنها عکس گرفته است.

به دنبال اظهارات شاکی، کارآگاهان به صورت نامحسوس خانه مورد نظر و ساکنان آن را زیر نظر گرفتند و با اطمینان از اینکه صاحبخانه سارق است وی را دستگیر کردند.

به جای بازیگری سارق شدم

پسر جوان برای شرکت در کلاس‌های بازیگری از شهرستان به تهران آمده اما حالا تبدیل به یک سارق حرفه‌ای شده است.

چه شد که سارق شدی؟

از کودکی عاشق بازیگری بودم، همیشه مقابل آینه ادای بازیگران را درمی‌آوردم و دیالوگ‌های آنها را بیان می‌کردم. تصمیم داشتم وقتی بزرگ شدم بازیگر شوم اما در کنکور هنر قبول نشدم و به ناچار پدرم مرا به سربازی فرستاد. دوره آموزشی‌ام که تمام شد به تهران آمدم و در خانه یکی از دوستانم زندگی می‌کردم. می‌خواستم به کلاس بازیگری بروم اما ای کاش هرگز پایم را در خانه او نگذاشته بودم چراکه مسیر زندگی‌ام تغییر کرد و تبدیل به یک سارق حرفه‌ای شدم.

مگر دوستت سارق بود؟

بله، وقتی با او هم‌خانه شدم فهمیدم همه جور خلافی انجام می‌دهد؛ از مواد مخدر گرفته تا سرقت، البته تخصص گوشی‌قاپی بود. او مرا وسوسه کرد به جای شرکت در کلاس بازیگری در کلاس آموزش سرقت شرکت کنم چون درآمدش بیشتر بود، بعد شگردهای سرقت را به من یاد داد؛ البته آموزش او برای من رایگان بود اما برای سارقان دیگر از ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان می‌گرفت.

ایده ماسک جوکر از کجا آمد؟

من پیشنهاد دادم، چون از این شخصیت خوشم می‌آمد و برای اینکه چهره‌هایمان شناسایی نشود ماسک جوکر می‌زدیم و به قدری کارمان را تمیز انجام می‌دادیم که دوست سابقه‌دارم می‌گفت ای کاش زودتر وارد این کار شده بودی، چراکه حرفه‌ای گوشی می‌قاپیدیم و از طرفی ردی از خودمان به‌جا نمی‌گذاشتیم.

پس چطور دستگیر شدید؟

از شانس بدم یک‌بار ندانسته گوشی مادر دوستم را سرقت کردم. بعد هم یک شب که میهمانی داشتیم همان دوستم هم آمده بود و وقتی وارد اتاق خواب شد با دیدن ماسک و گوشی‌ها شک کرد و لو رفتیم.

تصادف ۲ خودرو منجر به قتل راننده شد

گروه حوادث/ درگیری دو مرد جوان بر سر تصادف خودرو با قتل یکی از آنها به دست دیگری پایان یافت.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، عصر پنجشنبه ششم دی، مرگ مشکوک مرد جوانی در یکی از بیمارستان‌های پایتخت به بازپرس کشیک قتل اعلام شد. به دنبال اعلام خبر تیم جنایی راهی محل شده و با جسد مردی ۳۸ ساله در حالی که با ضربه چاقو به قتل رسیده بود، مواجه شدند. بررسی‌های اولیه حکایت از آن داشت که مرد جوان در یکی از خیابان‌های غرب تهران در حال رانندگی بوده که با خودروی دیگری تصادف کرده و سر همین موضوع دو راننده باهم درگیر شده و در نهایت یکی از آنها با چاقو ضربه‌ای به شکم مقتول زده است. عامل جنایت قبل از رسیدن پلیس متواری شده و تحقیقات برای دستگیری او ادامه دارد.

طرح ویژه پلیس فتا برای مقابله با فروش مجازی داروهای غیرمجاز

گروه حوادث/ رئیس پلیس فتا پایتخت از اجرای طرح ویژه مقابله با عرضه داروهای غیرمجاز و کمیاب که در فضای مجازی فروخته می‌شوند، خبر داد.

سردار داوود معظمی گودرزی گفت: در طرح ویژه مقابله با عرضه داروهای غیرمجاز و کمیاب، تمرکز ویژه بر تارنماهای عرضه برخی از اقلام از جمله آمپول لاغری مانجارو و... بوده است که در نتیجه اجرای طرح بیش از ۴۰ سایت و صفحه اینستاگرامی مسدود و حدود ۱۰ کلینیک غیرمجاز زیرزمینی پلمب شدند. وی همچنین با هشدار به پزشکانی که اکانت‌های کاربری خود را برای ثبت نسخه‌های الکترونیکی در اختیار دیگران قرار می‌دهند، اظهار کرد: مسئولیت سوءاستفاده و تجویز داروهای خاص که بی‌دلیل ثبت شده‌اند، قطعاً با پزشک ثبت کننده است و بایستی نزد مراجع قانونی پاسخگو باشد.

از گوشه و کنار ایران

قاتل دو پسر روستایی دستگیر شد

پسر جوان که با شلیک گلوله دو نفر را در روستای چارمه به قتل رسانده بود در کمتر از ۴ ساعت دستگیر شد. سردار «کیقباد مصطفایی»، فرمانده انتظامی استان کهگیلویه و بویراحمد گفت: شامگاه ششم دی خبر قتل دو جوان ۲۲ و ۲۳ ساله در روستای چارمه از توابع شهرستان کهگیلویه به پلیس اعلام شد. در بررسی مأموران مشخص شد آنها توسط شخصی با اسلحه گرم مورد اصابت گلوله قرار گرفته‌اند که یکی در صحنه و دیگری پس از انتقال به بیمارستان فوت کرده است. عامل قتل پسری ۲۳ ساله بوده که پس از وقوع قتل متواری شده و قصد خروج از استان را داشته که در کمتر از چهار ساعت توسط مأموران انتظامی شهرستان بهمئی دستگیر شد. وی انگیزه خود را از این دو جنایت اختلاف عنوان کرده است.

بزرگ‌ترین قمارخانه گنبد کاووس بسته شد

یک قلیان سرا در شهرستان گنبد کاووس که در واقع بزرگ‌ترین قمارخانه شهر بود با کمک پلیس بسته شد. محمد ارمی، دادستان عمومی و انقلاب گنبدکاووس از شناسایی و پلمب بزرگ‌ترین قمارخانه شرق استان گلستان در این شهرستان خبر داد و گفت: متهمان در پوشش قلیان‌سرا اقدام به قمار به صورت گسترده می‌کردند. این قمارخانه با همکاری پلیس شناسایی و پلمب شد و تمام آلات قمار و استعمال دخانیات نیز توقیف و یک نفر نیز دستگیر شد. تحقیقات برای شناسایی دیگر متهمان و میزان تراکنش مالی این مکان آغاز شده است.

انفجار خانه در یزد با ۳ کشته

انفجار و آتش سوزی یک خانه در شهر یزد منجر به فوت سه نفر و جراحت شش نفر دیگر شد. «سید محمد جواد میرجلیلی» رئیس اورژانس استان یزد در مورد جزئیات این حادثه گفت: حوالی ساعت ۲ بامداد جمعه ۷ دی، حادثه انفجار و آتش سوزی یک واحد مسکونی در خیابان کاشانی یزد به مرکز پیام اورژانس ۱۱۵ استان گزارش شد و بلافاصله نزدیک‌ترین کدهای امدادی آمبولانس به محل حادثه اعزام شدند. در این حادثه فوت ۳ نفر در محل حادثه تأیید و شش مصدوم از جمله ۳ کودک ۴ تا ۱۵ ساله به بیمارستان‌های شهید صدوقی و شهدای محراب یزد منتقل شدند. پیگیری روابط عمومی اورژانس استان از آخرین وضعیت مصدومان حاکی از درمان سرپایی و ترخیص پنج مصدوم این حادثه از بیمارستان است. علت حادثه در دست بررسی است.

هشدار دادستان زابل به رستوران‌ها و تالارهای شهر

دادستان زابل پس از حادثه آتش سوزی در یکی از رستوران‌های شهر زابل که منجر به مجروح شدن ۱۱ نفر و کشته شدن ۲ نفر از همشهریان شد دستور بازدید و بررسی شرایط ایمنی تمامی رستوران‌ها، هتل‌ها و تالارهای پذیرایی سطح شهر را صادر کرد. ایرج جهانتیغ، دادستان عمومی و انقلاب زابل بیان کرد: مقرر شد تیمی متشکل از کارشناسان آتش‌نشانی، اداره استاندارد، پلیس نظارت بر اماکن عمومی و نماینده دادستانی از کلیه رستوران‌ها، هتل‌ها و تالارهای پذیرایی سطح شهر زابل بازدید و شرایط ایمنی محل کار و نیز سالن پذیرایی را بررسی کنند، در صورت رعایت نکردن شرایط ایمنی و استاندارد، محل‌های مورد نظر پلمب و از ادامه فعالیت آنها جلوگیری خواهد شد. ادارات صمت، میراث فرهنگی و... هنگام صدور مجوز برای فعالیت این‌گونه مراکز ابتدا از اداره آتش‌نشانی استعلام بگیرند تا شاهد چنین حوادث ناگواری نباشیم. در خصوص حادثه اخیر نیز جوانب مختلف حادثه در حال بررسی است و با خاطیان و مسببین حادثه برخورد قانونی صورت خواهد پذیرفت.

حوادث جهان

اتریش

آخرین اسکی پدر و پسر در آلپ

دو اسکی باز بر اثر سقوط بهمن در ایالت آلپ تیرول اتریش زیر برف جان باختند. به گزارش یورونیوز، قربانیان، پدر و پسر بودند که زیر بهمن در قله کوه روسکوف در کوه‌های آلپ گرفتار شدند. شبکه تلویزیونی ORF اتریش گزارش داد که خدمات اورژانس اجساد آنها را پس از یک عملیات جست‌وجو در مقیاس وسیع پیدا کردند.

استرالیا

مرگ دو قایقران در مسابقات قایقرانی

پلیس ایالت نیوساوت ولز استرالیا در بیانیه‌ای اعلام کرد دو قایقران که در مسابقه سالانه قایقرانی بین سیدنی و هوبارت شرکت می‌کردند، در حوادث جداگانه جان خود را از دست دادند. به گزارش شینهوا، یکی از قایقرانان ساعت ۲۳:۵۰ پنجشنبه به وقت محلی با تیر افقی بزرگ در پایین بادبان برخورد کرد و اعضای اورژانس عملیات CPR انجام دادند، اما نتوانستند قایقران را احیا کنند. حدود دو ساعت بعد نیز در ساعت ۲:۱۵ بامداد جمعه، در حادثه‌ای مشابه یک قایقران دیگر دچار حادثه شد و جان باخت. این اولین مرگ‌ومیر در این مسابقات پس از سال ۱۹۹۸ بود که شش ملوان جان خود را در آن سال از دست دادند.

یونان

طوفان «النا» ده‌ها خانه را زیر آب برد

وقوع طوفان النا در یونان، باعث اختلال در ترافیک و جاری شدن سیل در سراسر این کشور شده است. به گزارش یورونیوز، در آتن، بسیاری از ساکنان حومه شمالی و جنوبی روز پنجشنبه را با بارش شدید باران آغاز کردند که در پی این بارش‌ها، ده‌ها خانه زیر آب رفت و سیل خودروها را با خود برد. آتش‌نشانی حداقل ۴۰ تماس تلفنی برای تخلیه آب و حذف درختان افتاده از جاده‌ها دریافت کرد. استادیوم صلح و دوستی در منطقه ساحلی جنوبی پایتخت یونان در نزدیکی بندر پیرئوس نیز دچار سیل شد و مقامات هنوز در حال ارزیابی خسارت هستند. جاده‌های منتهی به کوه پرنیتا در حومه شمالی نیز به‌دلیل بارش برف بسته شد.

نروژ

سقوط مرگبار اتوبوس گردشگری به دریاچه

انحراف اتوبوس گردشگری از بزرگراه و سقوط به دریاچه‌ای در هادسل نروژ، ۳ کشته و ۴ مجروح برجای گذاشت. به گزارش یورونیوز، این اتوبوس توریستی حامل بیش از ۵۰ مسافر و در حال حرکت از نارویک به سولوئر بود که در هادسل، نزدیک رافتسوندت، در مجمع‌الجزایر لوفوتن، مقصد گردشگری معروف شمال نروژ، واژگون شد. امدادگران اورژانس با شرایط چالش‌برانگیز در محل مواجه شدند، از جمله آب و هوای نامناسب که عملیات بالگرد را با مشکل مواجه کرد. بنت آر ایلرتسن، رئیس ستاد در ناحیه پلیس نوردلند، گفت: اتوبوس تا حدی زیر آب است. مرگ سه نفر تأیید شده است و چهار نفر بشدت مجروح شده‌اند. خدمات اورژانس همه را از اتوبوس خارج کرده است. مجروحان با بالگرد به بیمارستان و بقیه به پناهگاه‌های اطراف از جمله یک مدرسه منتقل شدند. مقامات تأیید کردند مسافران این اتوبوس از هشت کشور مختلف از جمله نروژ، هند، چین، سنگاپور، مالزی، هلند، فرانسه و سودان جنوبی هستند. تحقیقات درباره علت سقوط این اتوبوس در حال انجام است.